

مطالعات استراتژی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

جلیل روشندل^۱

این مقاله با هدف بررسی مطالعات استراتژی در کشورمان تألیف شده است و لذا همان طور که عنوان آن نشان می‌دهد، قصد نگارنده بیشتر بررسی ادبیات موجود و آثار منتشر شده درباره موضوع، در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی است، قطعاً، پرداختن به کلیه متون و ادبیات مربوط به استراتژی در یک مقاله میسر نیست و نگارنده نیز چنین ادعایی ندارد. برخلاف ادعای برخی از افراد مطالعه در خصوص «استراتژی» در ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه بوده است. هرچند غیر از یک یا دو کتاب، مابقی آثار ترجمه نوشته‌های دیگران بوده است، ولی همین امر «تابوی پنهان استراتژی و تعلق انحصاری آن را به محافل نظامی در هم شکسته و آن را در درون جامعه نیز مطرح ساخته است. به عقیده نگارنده، هر جامعه‌ای نیاز دارد که شهروندانش نه تنها استراتژی را در چهار بُعد نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی درک کنند، بلکه حتی لازم است مفاهیمی مانند «امنیت ملی» و «منافع ملی» را بفهمند و بدانند که همه استراتژی‌ها برای تأمین حداکثر منافع و امنیت ملی اتخاذ می‌شوند، تنهادر این صورت است، که مردم در حمایت از سیاستهای «دولت برگزیده خود» و در راستای همان سیاستها در صحنه خواهند ماند.

متأسفانه در این مقاله فرصت و امکان پرداختن به مقالات نوشته شده در مورد استراتژی پیش نیامد و حجم مقاله اجازه آن را نداد و تنها به کتابهایی پرداخته شد که مستقیماً به مقوله استراتژی، امنیت و منافع ملی مربوط می‌شوند. نگارنده را قصد این است که در فرصتی دیگر به محتوای مقالات در این خصوص نیز بپردازد. در مورد شیوه و روش نگارش

۱. دکتر جلیل روشندل محقق دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

این مقاله نیز توضیحاتی ضروری به نظر می‌رسد. قصد نگارنده معرفی کتب مورد اشاره نیست، بلکه ضمن بررسی محتوایی کوشش شده‌است اندیشه‌ها و مکاتب استراتژی معاصر نیز در حدی که حجم مقاله اجازه می‌دهد مورد بررسی قرار گیرد.

نگاهی کوتاه به گذشته

مطالعه در زمینه مسائل مربوط به استراتژی در ایران سابقه‌ای چندان طولانی ندارد. اصولاً مفهوم استراتژی در کشور ما تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از مفاهیم مبهم و ناشناخته‌ای بود که فقط در سطح مراکز فرماندهی نظامی شنیده و احتمالاً فهمیده می‌شد بی‌آنکه اختیار چندان برای اتخاذ «استراتژی» به فرماندهان نظامی تفویض شده باشد.

کسانی که «ماهنامه ارتش» را، که قبل از انقلاب منتشر می‌شد، دیده باشند به یاد می‌آورند که محتوای این تنها نشریه نظامی کشور در چه سطح و میزان آگاهی و اطلاعی که از طریق آن منتشر می‌شد تا چه حد بوده‌است. این ماهنامه گهگاه بخشهایی از نوشته‌های «کلزویتس» ژنرال ارتش پروس را که به فارسی ترجمه می‌شد به چاپ می‌رساند و شاید بی‌اغراق تنها منبعی بود که در آن واژه استراتژی به کار می‌رفت بی‌آنکه مفهوم آن هرگز درک شود. این دورانی بود که در کشور ما هنوز در فرهنگها و در مقابل واژه استراتژی معادل عربی «سوق الجیشی» به معنی راه عبور سربازان آورده می‌شد که هنوز هم در واژه‌نامه‌های موجود این تنها معادل مشاهده می‌شود.

صحبت از استراتژی، همیشه محرمانه بود و به محافل افسران عالی‌رتبه نظامی محدود می‌شد، افسرانی که هرگز در هیچ جنگی شرکت نکرده بودند و یا اگر شرکت کرده بودند، خود استراتژی جنگی تدوین نکرده بودند و یا تاکتیک را به جای استراتژی بکار گرفته و جنگ را باخته بودند.

این چنین بود که ارتش شاهنشاهی ایران در هیچ جنگی پیروزی نداشت و این عدم پیروزی در پانصد سال اخیر تاریخ ایران یک هنجار مکرر و تلخ بود. کسی نمی‌دانست که چرا اشرف افغان بر ما پیروز شد و چرا هفده شهر و در حقیقت افتخارات تاریخمان را از دست دادیم و چرا روس و انگلیس و این اواخر آمریکا بر ما مسلط شدند و کسی نمی‌دانست که جنگ چیست؟ استراتژی کدام است؟ تاکتیک به چه کار می‌آید؟ ولجیستیک به چه درد می‌خورد؟ و پرسشهای بی‌پاسخ دیگر. اما همه می‌دانستند که راجع به ارتش و توپ و تانک نباید حرف زد و نباید پرسید چرا «برنو» رفت، «ام-۱» آمد و چگونه «ژ-۳» و «یوزی» ظاهر

شدند؟ و اگر این سئوالات مطرح می‌شد سر از «ساواک» و اطلاعات و ضد اطلاعات در می‌آورد و آن سختی‌ها که گذشت.

توجه به استراتژی، ضرورت انقلاب و جنگ

با شروع جنگ تحمیلی ضرورت مطالعه درباره استراتژی مقاومت ناپذیر شد و در همین دوران کتاب استراتژی بین‌المللی به قلم آقای جلال الدین فارسی^(۱) و به عنوان یکی از اولین متون چاپ شده بعد از انقلاب اسلامی در بازار کتاب مشاهده می‌شود. این کتاب که به نظر می‌رسد بیشتر از منابع چینی و عربی برداشتهای مستقیم و غیرمستقیم داشته است به لحاظ روش تحقیق اصلاً قابل دفاع نیست؛ زیرا به‌رغم علایم نقل قول و استفاده مستقیم و غیرمستقیم کاملاً آشکاری که از نوشته‌های دیگران در آن صورت گرفته ارجاعات به سایر نوشته‌ها در آن بسیار اندک است. این امر چنان تداوم دارد که در خواننده تصور رونویسی همراه با تغییر در انشاء از متنی دیگر را القاء می‌کند.

نویسنده در همان منابع محدودی که معرفی کرده است ظاهراً هم از منابع روسی مانند روزنامه «پراودا» استفاده کرده و هم از منابع انگلیسی مانند برگزیده آثار لنین و هم از منابع عربی مانند ترجمه عربی کتاب معروف ژنرال سوکولوفسکی^(۲). با این همه در بعضی مقالات از اصطلاحات و مفاهیم مشخصی استفاده شده که بطور کلیشه‌ای و قالبی نگرش «چینی» در آن لحاظ شده و چون نقل قول و منابع مشخصی معرفی نشده بنابراین خواننده تصور می‌کند که اندیشه‌های مائوئیستی در ورای اندیشه نویسنده سنگینی کرده باشد.^(۳)

نکته دیگری که درباره محتوای این کتاب می‌توان گفت این است که نویسنده در تحلیل استراتژی شوروی به تحلیل محتوی و عملکرد سیاست خارجی این کشور توجه بیشتری داشته است در حالی که درباره استراتژی آمریکا بیشتر به نظریه‌ها و مفاهیم استراتژی نظامی تمرکز نموده است. با این وجود اگر این کتاب را فتح بابی در مورد مطالعات استراتژی در ایران و دارای ارزش یکبار خوانده شدن بدانیم باز جای شکر است که سرانجام نیاز به مطالعه درباره استراتژی به نوعی خود را نمایانده است. هرچند که با شروع جنگ تحمیلی و در حیطه عمل کسانی دیگر در جبهه و جنگ حضور دارند که مانند شهید چمران دارای اندیشه مدیریت جنگ هستند ولی متأسفانه اگر هم دیدگاههایشان به صورت مکتوب باقی مانده باشد تاکنون برای افزایش دانش دیگران منتشر نشده است.

مکتب فرانسه و استراتژی

یکی از اولین کتابهایی که توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در زمینه استراتژی منتشر شد کتاب ژنرال فرانسوی «آندره بوفر»^(۴) با عنوان مقدمه‌ای بر استراتژی است که در اصل در دهه ۶۰ میلادی به زبان فرانسه منتشر شد. ترجمه این کتاب از ترجمه انگلیسی اثر برگرفته شده و به همین لحاظ مانند همه کتبی که از زبان ثانی و ثالث ترجمه می‌شوند مسائل خاص خود را دارد. اما «بوفر» ارزش این را دارد که آثارش حتی از زبان واسط و رابط ترجمه و خوانده شود. وی در دو جنگ در ارتش فرانسه خدمت کرد و در مأموریت‌های ماورای دریاها شرکت داشت. علاوه بر فرماندهی ارتش ملی پس از تشکیل ناتو از افسران عالی‌رتبه این سازمان بود.

ژنرال آندره بوفر صاحب نظریه در امور عملی و نظری جنگ و مورد احترام هم‌تای انگلیسی‌اش ژنرال لیدل هارت بوده است. هرچند بوفر در اواخر عمرش تعاریف خود را درباره استراتژی نظامی مورد تجدید نظر قرارداد ولی در عین حال انجام چنین عملی از جانب او به هیچ وجه از اهمیت آثار و اندیشه‌هایش نکاست بلکه نمایانگر فکر پویا و ذهن خلاق است که تا آخرین روزها تحولات علم مورد علاقه‌اش را تعقیب و لذا بر دیالکتیک بودن این علم صحنه نهاد.

وقتی ژنرال بوفر در آغاز دهه ۶۰ کتاب مقدمه‌ای بر استراتژی را برشته تحریر کشید بی‌اج. لیدل هارت که خود از اندیشمندان فراموش‌نشده استراتژی نظامی قرن بیستم است بر ترجمه انگلیسی آن پیشگفتاری اضافه کرد و عنوان «مقدمه‌ای بر استراتژی»^(۵) را که توسط بوفر انتخاب شده ناشی از «فروتنی» وی دانست که به حق صاحب «تز» در استراتژی است و تا آن زمان جامع‌ترین کتاب را در این مورد نوشت.

بوفر، استراتژی را از موزه فراموشی و کلاسیک‌زدگی بیرون آورد. وی صریح و مستقیم از شکست فرانسه در جنگ دوم جهانی به علت اینکه بر «فرضیه و پیش‌داوری نادرستی استوار گشته و تنها بر تاکتیک متکی بود» انتقاد می‌کند.^(۶)

ژنرال آندره بوفر از اولین کسانی است که بر ذات دیالکتیک استراتژی تکیه می‌کند و آن را «هنر دیالکتیک دو خواست مغایر» می‌نامد که «مخاصمه نظامی و قدرت ارتش‌های خود را برای حل اختلافات و یا پایان (دادن به) آن به کار گرفته‌اند»^(۷) (یکی از تغییراتی که در اواخر عمر در نوشته‌های بوفر صورت گرفت این بود که در تعریف استراتژی واژه «علم و هنر» بجای «هنر» بکار برده شد).

مکتب انگلیسی و استراتژی

اولین چاپ کتاب «استراتژی معاصر، نظریات و خط مشی‌ها» به زبان فارسی در سال ۱۳۶۹ توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی منتشر شد و بسیاری از خوانندگان کتب مربوط به استراتژی را به خود جلب کرد. اصل کتاب که به زبان انگلیسی است کاربردی دانشگاهی داشت و بخصوص در انگلستان مورد استفاده دانشگاه‌ها قرار می‌گرفت. چاپ ترجمه فارسی آن فرصت مغتنمی بود برای خوانندگان و همچنین دانشجویان ایرانی که تا آن زمان کتاب تازه‌تری را در اختیار نداشتند. آخرین کتاب در این زمینه متعلق به اواخر دهه ۶۰ میلادی بود. لذا استفاده از کتابی که در اواسط ۱۹۷۰ در اروپا منتشر شده بود و هریک از نویسندگان آن دارای صلاحیتهای خاص خود بودند کمک شایانی به مطالعات استراتژیک در ایران می‌نمود.

مترجم این کتاب، دکتر هوشمند میروفرایی، که در زمان انتشار از همکاران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و خود مدرس این درس در دانشگاهها بود با علاقمندی دست به ترجمه‌ای زده بود که کار آسانی نمی‌نمود. گرچه زبان ترجمه گاه سنگین و طبعاً درک آن مشکل است با این وجود این نقص کوچک در مقابل خدمتی که به مراکز علاقه‌مند به این رشته از مطالعات صورت می‌گرفت چندان قابل ایراد به نظر نمی‌رسد.

ناگفته نماند که مترجم از روی فروتنی مسئولیت «هر نوع نارسائی یا کژنگاری در برگردان» اثر به زبان فارسی را بر عهده گرفته که خود این فروتنی نادر و قابل تقدیر است. کتاب مذکور خیلی زود به چاپهای بعدی رسید.

درک مفاهیم استراتژی سالها بود که فقط در سطح دانشگاهها و یا مراکز صرفاً نظامی آن هم بسیار اندک و محدود میسر بود. انتشار این کتاب طیف وسیعی از خوانندگان را در معرض اطلاعاتی از قبیل «مطالعات استراتژیک و فرضیات آن»، «تکامل اندیشه استراتژی از دوران قبل از ناپلئون تا عصر استراتژی هسته‌ای»، «نقش قدرت نظامی»، قرار می‌دهد که در بخش اول کتاب تحت عنوان کلی استراتژی و سنجش آن آورده شده‌است. در بخش دوم مفاهیم استراتژی و تحولات آن مورد بحث قرار گرفته و لذا مباحثی از قبیل بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات، جنگ محدود، جنگ انقلابی، مدیریت بحرانها، و اتحادها مورد بررسی قرار گرفته است.

مترجم به انتخاب خود بخش سوم را که به خط‌مشی‌های نظامی قدرتها می‌پردازد حذف و از ترجمه آن خودداری نموده‌است. توجیهی که در کتاب آورده شده این است که «از

نظر اصولی سرعت تغییر این خط‌مشی‌ها بسیار بیش از سرعت تحول در نظریات است و با توجه به زمان اولین چاپ کتاب (۱۹۷۵) بسیاری از آنها دستخوش تغییر شده‌اند. این توجیه به عقیده نگارنده توجیه درستی برای حذف یک بخش از کتاب نیست چراکه استراتژی مقوله‌ای است مبتنی بر تجربه و نمی‌توان نسبت به تجربیات دیگران بی‌اعتنا بود و آنها را «دستخوش تغییر» و لذا بی‌فایده یا کم‌فایده دانست.

«سون تزو» ژنرال جاودانی تاریخ

در کتاب فوق‌الذکر از «سون تزو» ژنرال قرن چهارم پیش از میلاد در ارتش چین باستان یاد می‌شود که به‌رغم گذشت بیست و چهار قرن هنوز عقایدش در مورد جنگ و استراتژی مورد استفاده ارتشهای دنیا است. بد نیست همین جا یادآوری کنیم اثر معروف سون تزو موسوم به هنر جنگ در زبان فرانسه برای اولین بار در ۱۷۷۲ ترجمه شده ولی پس از آن فقط در طول قرن بیستم دست کم چهار بار به زبان فرانسه ترجمه گردیده و هر بار از یک متن کهن چینی تعبیر و تفاسیر جدیدی به عمل آمده که در نهایت مورد استفاده مراکز تصمیم‌گیری و استراتژیک کشور قرار گرفته است. هر بار که کتاب ترجمه شده، در متغیرهای پنجگانه استراتژی مانند «دکترین»، «زمان»، «مکان»، «فرماندهی»، «دیسپلین»، تعبیر و نوآوری‌هایی پیدا شده و بازمان انتشار تطبیق یافته است.^(۸)

به همین دلایل نگارنده معتقد است مطالعه تاریخ نظامی در استراتژی امری ضروری است و لذا بخش مورد اشاره مترجم کتاب نمی‌باید حذف می‌شد و علاوه بر آن ضرورت دارد جلد دوم همین کتاب که سیاستهای دفاعی قدرتهای بزرگ را مورد توجه قرار می‌دهد نیز به فارسی ترجمه و منتشر گردد.

جنگ انقلابی یکی از مباحث کتاب استراتژی معاصر است. که در آن علاوه بر تعاریف کلی، از ابعاد مختلف سیاسی - نظامی، اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی، بین‌المللی، و ضدشورشگری به این نوع جنگ پرداخته شده است. شاید هنوز زود باشد که چنین جنگهایی در ابعاد گوناگون خود از صحنه محاسبات قدرت طلبان و جویندگان قدرت دور شود ولی وجود این مبحث در کتاب مورد نظر با توجه به تاریخ چاپ آن نشان‌دهنده حساسیتهای استراتژیست‌ها به این مقوله است. در دهه ۷۰ هنوز انقلابها و جنگهای انقلابی در دیدگاه روشنفکران جهان تنها راه مبارزه با استعمارگران و امپریالیستها تلقی می‌شود و وقوع انقلاب اسلامی در ایران و انقلاب ساندنیستهای نیکاراگوا بارزترین نمونه آن است.

توس از وقوع انقلابها عامل اصلی تفکری است که تحت عنوان «ضدشورشگری»^۱ در اندیشه استراتژیست‌های غربی رسوخ کرد و به قول جان بیلینس: همان گونه که تجربیات انقلابی باعث به وجود آمدن ادبیات حجیمی شامل کتابها و مقالات بسیار درباره تئوری شورشگری شد، تجربیات و درسهای حاصل از مقابله با این گونه جنبشها به نوبه خود منجر به کوششهایی در زمینه گردآوردن اصول جنگهای ضدشورشگری گردید.^(۹)

برخلاف کتابهای جدیدتری که مثلاً در ایالات متحده منتشر شده‌است، این کتاب اشاره‌ای به مبحث «جنگ کم شدت»^۲ و یا دیگر مفاهیم جدیدتر در استراتژی معاصر ندارد. در حقیقت مبارزه با انقلابهایی از نوع انقلاب اسلامی در ایران و انقلاب ساندنیستها در نیکاراگوا است که ایالات متحده آمریکا را به مبارزات با دامنه کمتر و سطح کمتر تسلیحات و به تعبیر پنتاگون «جنگ کم شدت» هدایت می‌کند. هدف از این نوع جنگ در درجه اول در دوران جنگ سرد سنگین تر کردن هزینه مداخلات در خارج از حوزه‌های نفوذ است. نمونه بارز این نوع جنگ کم شدت در نیکاراگوا علیه نفوذ ایدئولوژی ساندنیستی که رهیافت جدیدی از ایدئولوژی مارکسیسم تلقی می‌شد، و در ایران به عنوان مقابله با گسترش نفوذ اسلام در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی اعمال می‌شد. در هر دو مورد جنگ کم شدت با هدف محدودسازی و در مواردی براندازی نظامهایی که با سیاستهای جهانی همسویی ندارند اعمال می‌شده و می‌شود. موارد دیگری از اعمال استراتژی جنگ کم شدت توسط ایالات متحده را می‌توان در نقاط دیگر دنیا مشاهده کرد.

استراتژی در شوروی از منظر آمریکایی‌ها

در مورد استراتژی شوروی تا قبل از انتشار کتاب «برداشتهای شوروی از آیین و قدرت نظامی»^۳ ادبیات ناچیزی وجود داشت. شاید هم فقط از مجموعه ادبیات «جنگ بزرگ میهنی» می‌شد چیزی در مورد استراتژی نظامی شوروی استخراج کرد که طبعاً آن هم لبریز از تبلیغات و درشت‌نمایی‌های هدفدار بود.

حکومت اتحاد جماهیر شوروی از بدو تشکیل خود، یعنی حتی خیلی پیش از اینکه با وقوع جنگ دوم جهانی به عنوان یک قدرت بزرگ و پس از آن به مثابه یک ابرقدرت مطرح

1. Counterinsurgency

2. Low Intensity Warfare

۳. جان ج. ژیاک، ترجمه مسعود کشاورز دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۶۷.

شود، برای قدرتهای غربی، از دیدگاه نظامی، یک ابهام و اسطوره کامل بود. این اسطوره ناشناخته بیشتر از این منظر مورد توجه غرب قرار داشت که فلسفه حاکم بر اندیشه و آیین نظامی آن مشخص نبود و ادبیات ناچیزی در مورد آن وجود داشت.

جنگ دوم جهانی برای شوروی تجربه‌ای به بار آورد تا اندیشه‌های ناشناخته را در حد ملموسی به معرض تماشا و حتی آزمون قرار دهد. شکست نیروهای روسی در آغازین دقایق حمله به آن کشور در جنگ دوم جهانی موجب شد آنچه که هیچ وقت جهان خارج بالاخره نفهمید چه بوده مورد بررسی و تحلیل و حتی تجدید نظر قرار گیرد و «رهبران سیاسی - نظامی شوروی به این نتیجه رسیدند که آن اشتباهات نباید به هیچ عنوان تکرار شود.»^(۱۰)

به این ترتیب اندیشه‌های نظامی و اصولاً استراتژی نظامی شوروی دو دوران مشخص دارد. دوران اول آن تا آغاز جنگ جهانی دوم تا حد زیادی تحت تأثیر افکار انقلابی لنین و سران نظامی شوروی جوان قرار دارد. از آن دیدگاه - که حتی واهمه تروتسکی از تحت سلطه قرار گرفتن جامعه به ضرورت و ملاحظات نظامی نیز در اعتدالی کردن آن نقش دارد - ماشین نظامی باید برای «مهار اقتصاد و جامعه» و «حفظ و تداوم» جامعه سوسیالیستی مورد استفاده قرار گیرد. لذا «... توسعه اقتصادی با در نظر گرفتن ضروریات، استراتژی نظامی، نیازهای نیروهای مسلح، جنگ، تسلیحات و منابع نیروی انسانی انجام می‌شود.»^(۱۱)

دوران بعدی دوران جنگ و پس از جنگ دوم جهانی است. مشارکت افرادی مانند مارشال اوستینوف، مارشال ژوکوف، مارشال مالینوفسکی و دیگران موجب گسترش و تقویت نظامی‌گری در اتحاد شوروی شدند. فلسفه و اندیشه استراتژی نظامی به تبعیت از اندیشه‌ها و دکترین نظامی غرب و گاهی اوقات در واکنش نسبت به آن، شکل و قالب جدیدی پیدا کرد.^(۱۲)

بحرانها و مسائلی که از جنگ دوم جهانی شروع می‌شود و به سقوط امپراتوری شوروی می‌انجامد لحظه به لحظه می‌باید مورد مطالعه قرار گیرد تا بتوان اندیشه استراتژی شوروی را از ورای اقدامات، بیانیه‌ها، نظریات و دیدگاههای پیدا و پنهانشان درک کرد.

اینکه چگونه اتحاد شوروی موفق می‌شود حول سه محور مشخص:

۱. درخواست دولت قانونی وقت،
۲. بکارگیری تعهدات قرارداد شده،
۳. توسل به سوسیالیسم بین‌المللی.

بر همین اساس روسها دست کم درسه مورد: چکسلواکی، مجارستان، و افغانستان

حدود ۱۲۰/۰۰۰ نفر نیروهای ارتش سرخ را وارد عمل نمودند - اگر نگوییم اشغال نظامی کردند - این خود امری است که هنوز هم مطالعات استراتژیک در مورد آن پاسخ قانع‌کننده‌ای ندارد. در حالی که تا قبل از فروپاشی اتحاد شوروی غالب کشورهای غربی مراکز مطالعات استراتژی شوروی داشتند و سالیانه بودجه‌های هنگفتی صرف شناخت سیر تحولات این استراتژی می‌کردند. (۱۳)

کتاب «برداشتهای شوروی از آیین و قدرت نظامی» تألیف جان جی. ژیاک با ترجمه مسعود کشاورز که در ۱۳۶۷ توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی منتشر شد تنها یکی از این نمونه‌ها است که اصل آن به زبان انگلیسی در ۱۹۸۱ در نیویورک به چاپ رسید. این کتاب که حاصل تحقیقات دانشگاه معروف جورج تاون بوده است ظرف مدت کوتاهی در سال ۱۹۸۴ به چاپ دوم رسید. همین امر نشان می‌دهد تا چه حد غرب تشنه دانستن در مورد موضوعات مربوط به استراتژی در شوروی بود.

نویسنده کتاب فوق که خود از اعضای «آژانس اطلاعات دفاعی» و استاد مؤسسه چین - آمریکا در دانشگاه جورج تاون است یک شوروی‌شناس محسوب می‌شود و صاحب آثار متعددی در مورد مسائل شوروی است. چاپ این کتاب از اولین گامهایی است که در زمینه مطالعات استراتژیک در ایران پس از انقلاب اسلامی صورت گرفت. این رشته از مطالعات هرچند پراکنده و بدون «متولی» است اما چاپ حتی یک کتاب در زمینه مسائل استراتژیک می‌تواند خدمت مهمی برای کسانی باشد که با عشق و علاقه به خدمت در راه منافع ملی کشور، راه دشوار مطالعه و پژوهش را بر تجارت و سوداگری ترجیح دادند.

رهنمودهای استراتژیک برای تبیین استراتژی نظام فرهنگی

یکی از آثار جالب توجهی که طی همین سالها منتشر شد کتابی است تحت عنوان «تحقیق در: تبیین استراتژی نظام از کلام امام مدظله‌ظله‌العالی» این کتاب با هدف برداشتن گامی در جهت تشکیل بسیج دانشجوی و طلبه توسط دفتر مجامع مقدماتی فرهنگستان علوم اسلامی در تیراژ ده هزار نسخه در قم منتشر شده است. در مقدمه توضیح داده شده است که: «تلاش براین بوده تا استراتژی نظام در سه بعد سیاست، فرهنگ و اقتصاد از کلام حضرت امام استخراج شود که در نتیجه راستای کلی حرکت هسته‌های تحقیقاتی بسیج دانشجوی و طلبه و چگونگی تحقق استراتژی نظام تعیین گردد.» (۱۴)

به راستی در چهار حوزه اصلی استراتژی یعنی در سیاست، اقتصاد، فرهنگ و

نظامی‌گری باید دقیق و جزئیات را بخوبی شناخت تا توانست کشتی سرزمین را در دریای متلاطم جهانی تمشیت کرد. تدوین‌کنندگان این کتاب با درک این نیاز در سه وادی سیاست، فرهنگ و اقتصاد به جستجوی فزاینده‌ای هدایت از سخنان امام خمینی (ره) برآمدند. از آن جمله در باب سیاست به نقل از ایشان آمده‌است:

«مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جاست که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد. بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و بطور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را بدست گیرد.» (۱۵)

و یا در باب استراتژی اقتصادی در بخش دیگری از کتاب چنین نقل شده که:

«ارائه طرحها و اصولاً تبیین جهت‌گیری اقتصادی اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهی‌دستی به شمار می‌رود.» (۱۶)

همچنین در مورد استراتژی فرهنگی از امام خمینی (ره) چنین نقل شده‌است:

«... اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و یا انحراف فرهنگ هر چند جامعه در بعدها، اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال و فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است...» (۱۷)

کتاب بخش مهمی از عوامل ایجاد اندیشه استراتژی را در خود نهفته دارد ولی از نظر روش تحقیق و جمع‌آوری مطالب دارای کاستی‌هایی است. از جمله اینکه از عوامل اصلی و چهارگانه استراتژی توجهی به استراتژی نظامی نشده است در حالی که در فرمایشات امام (ره) رهنمودهای دقیقی در زمینه استراتژی نظامی وجود دارد. دومین اشکال کتاب روشن نبودن

زمینه و موضوعی است که سخنان امام در حول آن موضوع مطرح شده است. در غالب موارد فقط تاریخ بیانات آمده و در بعضی موارد متن از میان پیام «فریاد برائت» انتخاب شده است. اینکه سخنی در چه موردی آورده شده و آیا هدف گوینده ارشاد در اتخاذ استراتژی بوده یا خیر، دست کم از نظر روش تحقیق حائز اهمیت است.

استراتژی اقدام، تبدیل تئوری به عمل

به نظر می‌رسد طی سالهای آخر جنگ ایران و عراق نیاز به شناخت مفاهیم استراتژیک باعث شده است که کتب متعددی طی یک دوره کوتاه دو ساله منتشر شود. از آن جمله ترجمه کتاب استراتژی اقدام اثر معروف ژنرال آندره بوفر است که به ظاهر از متن اصلی فرانسه با ترجمه مسعود محمدی در سال ۱۳۶۶ منتشر شد. مقوله «اقدام» از مباحث و ویژه استراتژی است که ژنرال بوفر آن را به بهترین نحوی در کتاب استراتژی اقدام تعریف کرده است: «بازدارندگی سپر است و فقط به کار دفاع می‌آید، در صورتی که اقدام شمشیر است و در آن واحد می‌تواند ضربه زند و دفاع کند. بازدارندگی و اقدام دو واژه مکمل استراتژی هستند.» (۱۸)

متن فارسی کتاب با نارسایی‌هایی همراه است که به نظر می‌رسد ناشی از وجود مشکل در ترجمه و عدم آشنایی دقیق مترجم با مفاهیم استراتژیک باشد هرچند در فاصله کوتاه نگارش این مقاله متأسفانه فرصت مراجعه به متن اصلی کتاب به زبان فرانسه را نیافتم و بدیهی است که می‌توانم متهم به قضاوت سطحی و بدون تحقیق و رسیدگی بشوم ولی انشای کتاب بیش از هر متنی وجود مشکل در درک مفاهیم را افشا می‌کند. با این وجود کتاب مفید و قابل استفاده‌ای است که در زمینه‌های سیاست و استراتژی، تعریف اقدام، تحلیل منطقی مفهوم اقدام، تجزیه و تشریح طرح اقدام، تشریح شیوه‌های اقدام و غیره مطالب آموزنده‌ای را آن هم در دورانی که مطالعه در مورد استراتژی هنوز چندان جا نیافتاده بود، ارائه کرده است.

استراتژی بزرگ

با کتابهایی که در بالا معرفی شدند دو مکتب مهم نظامی و استراتژیک باقی می‌ماند که در مورد آن هنوز سخنی نگفته‌ایم. یکی از آنها استراتژی از دیدگاه مکتب سنتی آلمان و دیگری استراتژی آمریکا است. مکتب سنتی آلمان را باید در نوشته‌های دوران گذشته بخصوص در اندیشه‌های آنتونی جومینی و کارل فون کلازویتس جستجو کرد. کتاب ادوارد ام. ارل تقریباً

همه صاحبان اندیشه دوران رنسانس و پس از آن را تا اوایل قرن نوزدهم در برمی گیرد هرچند که جنبه‌های تاریخی کتاب بر جنبه تحلیلی آن سنگینی می‌کند.^(۱۹)

مکتب نوپای ایالات متحده به بهترین نحوی در کتاب «استراتژی بزرگ» (اصول و رویه‌ها) توسط جان ام. کالینز معرفی شده است. ویژگی مهم این کتاب که به سال ۱۳۷۰ منتشر شده ترجمه آن توسط آقای کورش بایندر است که چون خود از افسران عالی‌رتبه و بازنشسته نیروی دریایی است صلاحیت غیرقابل بحثی در انتخاب معادلهای مناسب واژگان این علم و هنر جهانی دارد. کتاب دارای شش فصل و هفت پیوست است که تفکر استراتژیک آمریکا را از چارچوب تا شناخت محیط استراتژیک و ماهیت جنگها بررسی نموده و سپس مکاتب فکری معاصر ایالات متحده را پس از جنگ دوم جهانی تشریح نموده است.

محور اصلی کلیه استراتژی‌های ایالات متحده را، طی سالهای جنگ سرد، اهداف و خواسته‌های روشن شوروی - از دیدگاه آمریکا - تعیین کرده است:

«علاقه: کمونیسم جهانی

مقصود: تسلط بر جهان

سیاست: توسعه طلبی فزاینده

استراتژی: انقلاب جهانی»^(۲۰)

وضعیت نیروهای استراتژیک شوروی و چین کمونیست از مهم‌ترین نگرانی‌های ایالات متحده طی چند دهه گذشته بوده و انگیزه اصلی استراتژی‌های اخذ شده به شمار می‌آیند. بر همین اساس است که استراتژی بزرگ ایالات متحده شکل می‌گیرد و متحول می‌شود. حتی جنگ ویتنام در چارچوب این استراتژی بزرگ امر موجهی است که با هدف مقابله با اهداف شوروی انجام می‌گیرد.

کتاب با در نظر گرفتن پیوست هفتم آن که به مسائل مربوط به ابتکار دفاع استراتژیک یا جنگ ستارگان اختصاص دارد،^(۲۱) تحولات استراتژی بزرگ آمریکا را تا ۱۹۸۳ پوشش می‌دهد. کتاب از جنبه‌های آموزشی و شناخت هرچه بیشتر استراتژی ایالات متحده آمریکا بسیار مفید است و در میان متون ترجمه شده موجود تازه‌ترین به حساب می‌آید.

توجه به استراتژی دیگر کشورها

تابستان ۱۳۶۸ زمان انتشار کتاب دکتر غازی اسماعیل رباعه تحت عنوان «استراتژی اسرائیل (۱۹۶۷-۱۹۴۸)» با ترجمه محمدرضا فاطمی توسط نشر سفیر است. به‌رغم اینکه،

برخلاف ایران، از زمانهای گذشته در غالب کشورهای عربی مراکز متعدد مطالعات استراتژی وجود داشته است ولی این کتاب اولین کتابی است که در مورد استراتژی اسرائیل، این دشمن دیرینه اعراب به زبان فارسی ترجمه شده است. در نگاه اول به نظر می‌رسد که کتاب نه برای افشای استراتژی اسرائیل بلکه برای تدریس آن تألیف شده باشد چرا که مولف در مقدمه شرحی از مفاهیم استراتژی از دید صاحب‌نظران این علم و هنر ارائه داده است.

این کتاب تجربیات و شکستهای اعراب را در قبال اسرائیل و علل و دلایل آن را بخوبی روشن می‌کند. نویسنده به وضوح نقاط قوت و ضعف استراتژی اسرائیل را بررسی و در برابر آن به تحلیل علل شکست اعراب می‌پردازد. وی ضمن اینکه فقدان استراتژی در میان اعراب را از دلایل ضعف آنان می‌داند معتقد است «اسرائیل در آینده با استفاده از استراتژی غیرمستقیم به ایجاد فتنه و آشوب در میان دول عربی خواهد پرداخت»^(۲۲) صحت این تحلیل حتی تا به امروز امر مشخصی است.

متأسفانه مترجم یا ناشر هیچگونه توضیحی در مورد نویسنده کتاب ارائه نداده‌اند و به‌رغم اینکه به نظر می‌رسد نویسنده صاحب صلاحیت غیرقابل انکاری در مورد مسائل استراتژی است، اما برای خواننده این امر تعریف نشده باقی می‌ماند. نویسنده در پایان کتاب وعده داده است که در جلد دوم کتاب «سیمای کامل استراتژی اسرائیل و همچنین چارچوب کلی مقابله با آن را در بحث استراتژی اسرائیل بین سالهای ۶۷ تا ۱۹۷۳ روشن نماید». متأسفانه تاکنون اطلاعی از انتشار چنین کتابی در دست نیست.

چین، چین، چین

چین خاستگاه استراتژی نیست ولی همانطور که در سطور بالاتر گفته شد تأثیر «سون تزو» ژنرال چینی از چهار قرن قبل از میلاد مسیح بر استراتژی بسیار عظیم است. با این همه تا سال ۱۳۷۰ از اندیشه نظامی چین نوشته منسجمی در دست نیست. در این سال انتشار کتاب «سیر تحول در اندیشه نظامی و سیاست تسلیحاتی چین» تألیف محمدجواد امیدوارنیا اقدام دیگری است که محققان را کم‌کم به داشتن یک کتابخانه کوچک که در آن چند جلد کتاب در مورد استراتژی پیدا شود امیدوار می‌کند.

قبل از هرچیز باید از صلاحیت نویسنده در مورد محتوای کتاب و شناخت عمیق وی در مورد کشور چین یاد کرد. نویسنده با صلاحیتی که حاصل سالها حضور در جامعه چین است به تألیف کتاب پرداخته و فی‌الواقع یکی از کاستی‌ها و نیازهای جامعه کتابخوان و بویژه

معدود علاقه‌مندان به حوزه استراتژی را در کشورمان برطرف کرده‌است. وی مانند هر نویسنده‌ای که به اندیشه نظامی چین توجه دارد بحث خود را از سون تسو (سون زی) آغاز کرده و اندیشه او را پایه و مایه اندیشه امروزمین رهبران چین می‌داند. اشتباه کوچکی که در بخش اول کتاب مشاهده می‌شود این است که «سون تزو» در صفحه ۱۴ کتاب به عنوان یکی از معروفترین استراتژیستهای قرن «ششم» پیش از میلاد معرفی می‌شود ولی در زیرنویس همان صفحه وی نظریه پرداز قرن پنجم قبل از میلاد معرفی می‌گردد. در حالی که اغلب تاریخ‌نویسان و دایره المعارف‌های نظامی تاریخ حیات او را بین قرن سوم و چهارم پیش از میلاد ذکر کرده‌اند. (۲۳)

در بخشهای گوناگون کتاب، مسائل نظامی و دفاعی از چین باستان تا دوران رهبری مائو، جانشینان وی هواکوفنگ و دنگ شیائوپینگ، تشریح شده‌است. علاوه بر وضعیت نیروهای دفاعی، توانایی‌های صنعتی، سلاحهای اتمی و لوازم پرتاب و تکنولوژی فضایی چین و بودجه دفاعی چین مورد بحث و دقت نظر قرار گرفته است.

در بخشهای دیگری از کتاب موضوعاتی از قبیل خلع سلاح، جنگ ستارگان، سیاست آمریکا و متحدانش در قبال صدور تکنولوژی بسیار پیشرفته به چین و همچنین نقش نیروی دریایی در سیاست خارجی چین بررسی شده‌است. استفاده از حدود پنجاه کتاب و یکصد مقاله به زبان انگلیسی و چندین کتاب و مقاله به زبان فارسی و چینی برای تدوین این کتاب کم حجم (۲۳۰ صفحه) از نقاط قوت این کتاب است.

نویسنده آخرین صفحات کتاب را به ارائه نظریه در مورد مناسبات تسلیحاتی چین با جمهوری اسلامی ایران اختصاص داده و عوامل مثبت و منفی آن را بر شمرده‌است. یکی از عوامل مثبت حاکی از آن است که «نیاز چین به ارز خارجی برای اجرای برنامه‌های نوسازی، خرید از آن کشور را تسهیل می‌بخشد» (۲۴) و در عوامل منفی آمده‌است که: «اولویت یافتن ملاحظات اقتصادی (جلب سود) در عملکردهای سیاست داخلی و خارجی چین باعث کاهش توجه این کشور به منافع سایر کشورهای جهان سوم و بی‌اعتنایی به مبارزات ملل مظلوم گردیده و امیدی نیست که هرگاه کشوری مانند ایران از طرف ابرقدرتها و یا همسایگان مورد بی‌عدالتی و تجاوز نظامی قرار گیرد، صرفاً به این دلیل، بتواند سلاحهای مناسب و ارزانی از چین دریافت دارد.» (۲۵)

هرچند این عبارات به عنوان دو عامل منفی و مثبت و به همین اعتبار رودرروی یکدیگر قرار دارند، ولی در عین حال دو نکته در ارتباط با این دو مورد قابل ذکر است: اولاً

اینکه این دو نتیجه‌گیری در تضاد با یکدیگرند. دوم اینکه در روابط بین‌الملل «منفعت» بیش از مثلاً «اقامه عدل» انگیزه ارتباط قرار می‌گیرد و نباید تصور کرد که حتی کشوری مانند چین که زمانی داعیه حمایت از ملل مظلوم جهان را داشت حاضر باشد آرمانها را بر منافع ترجیح دهد. با این وجود آخرین توصیه نویسنده را باید به یاد داشت که:

«هرگاه بین ایران و کشور ثالثی (مثلاً عراق) جنگ درگیر شود و یا موارد اضطراری دیگر پیش آید، دولت چین با توجه به روابط خود با طرف مقابل ایران، سطح معینی را برای کمیت و کیفیت سلاحهای صادراتی خود به کشور ما در نظر خواهد گرفت تا دوستانش را نرنجاند، لذا شاید اصلح آن باشد که دولت جمهوری اسلامی ایران در زمانهای صلح به خرید انواع و مقادیر لازم سلاحهای مورد نظر خود از چین بپردازد.»^(۲۶)

با توجه به تاریخ چاپ کتاب (۱۳۷۰) و اینکه مطالب آن عمدتاً دوران جنگ سرد را در بر می‌گیرد، ضرورت دارد در چابهای بعدی محتوای آن مورد تجدید نظر کلی قرار گیرد و بخصوص تأثیر مسائلی مانند جانشین احتمالی دنگ شیائوپینگ و تحولات نظام بین‌الملل در استراتژی چین عمیقاً بررسی شود.

منافع و امنیت ملی

در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تدریس درس مسائل نظامی و استراتژیک معاصر در رشته‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، مدیریت استراتژیک، دفاع ملی و غیره چه در دانشگاههای عادی و چه در مراکز تخصصی نظامی امری مرسوم و معمول گردیده است که یقیناً نتایج مثبتی در جهت ترویج اندیشه استراتژیک خواهد داشت. یکی از مشکلات آموزش این درس در دوران قبل از انقلاب آن بود که شخص مدرس اگر در دانشگاه به تدریس اشتغال داشت نمی‌توانست این درس را در حد یک مقوله تصمیم‌گیری ارائه کند و به اصطلاح وارد معقولات شود. لذا در چارچوب برخی تعاریف کلی به سیاستهای دو پیمان ناتو و ورشو پرداخته می‌شد و در نهایت برخی تعاریف کلی ارائه می‌شد.

از طرف دیگر طبیعی است که هر ایرانی که به قصد خدمت وارد نظام آموزش عالی می‌شود پیش از هر چیزی بخود بگوید مصرف مستقیم مطالب خارجی‌ها کافی است، باید خود تولید کنیم و حتی اگر بتوانیم دیگران را به مصرف آن واداریم. بعد از انقلاب اسلامی و بخصوص پس از شروع جنگ تحمیلی ضرورت تحلیل و تشریح مفهوم و تمرین تصمیم‌گیری و چانه‌زنی ایجاب می‌کرد که درس با رهیافتی نوین ارائه شود. دانشگاهها محل

حضور رزمندگان و یا پایگاههای اعزام داوطلبان به میدانهای رزم بود. براین مبنا به عنوان فردی که از سال ۱۳۶۸ تاکنون تدریس این درس را برعهده داشته‌ام و وظیفه خود دانستم ارائه درس، حسب مورد، در دانشگاههای نظامی و غیرنظامی با شکلی جدید و محتوایی منطبق با نیازهای زمان قرین باشد.

با این اهداف بود که تصمیم به تألیف کتاب امنیت ملی و نظام بین‌المللی گرفتیم. قرار بود چنین درس مستقلاً در رشته علوم سیاسی نیز پدید آید که در آن صورت این کتاب منبع اصلی آن درس تلقی می‌شد، ولی متأسفانه با مشکلاتی که پیش آمد این درس هرگز به تصویب نرسید. کتاب در زمستان ۱۳۷۴ توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها و پس از ماهها تأخیر منتشر شد. (۲۷)

در فاصله کوتاهی پس از انتشار این کتاب اثر دیگری که تألیف مشترک نگارنده و آقای دکتر علیرضا ازغندی است در مورد مسائل نظامی و استراتژیک معاصر توسط همان ناشر منتشر گردید. این دو کتاب اکنون به عنوان تنها منابع فارسی مسائل نظامی و استراتژیک معاصر مورد استفاده مراکز مختلف مطالعاتی قرار دارند و از آنجا که ترجیح می‌دهم محتوای این کتاب توسط دیگران بررسی شود در اینجا فقط به معرفی آن بسنده کرده‌ام. (۲۸)

اگر بخواهیم بیشتر از اینها محدوده مطالعه استراتژی در ایران را گسترش دهیم به تعدادی از کتب بر می‌خوریم که موضوعاتشان بین اصول روابط بین‌الملل و مثلاً خلع سلاح یا مسابقه تسلیحاتی و سیاست خارجی متغیر است. البته چند مقاله درباره استراتژی و استراتژی کشورهای بخصوصی نوشته شده که جای تأمل و بررسی دارند و می‌توانند موضوع مقاله‌ای دیگر را در زمانی دیگر تشکیل بدهند. (۲۹) امید است در آینده توفیق بررسی آنها نیز دست بدهد. با توجه به مجموعه کتابهایی که بررسی شدند و با علم به اینکه هنوز کتب و مقالاتی وجود دارند که در این مقاله به آنها پرداخته نشده‌است، می‌توان ادعا کرد «استراتژی» عنوانی است برگرفته شده از روابط بین‌الملل که می‌توان برای آن در گوشه‌ای از هر کتابخانه جایگاه خاصی تعیین کرد. جایگاهی که خواننده را به درک مفاهیمی همچون منافع و امنیت ملی و راههای تضمین آن هدایت می‌کند.

یادداشتها

۱. جلال الدین فارسی، استراتژی بین‌المللی. مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۱.
۲. همان، برای نمونه به زیرنویسهای صفحات ۶، ۹، ۸۲ مراجعه شود.

۳. مثلاً در اولین مقاله تحت عنوان استراتژی ابرقدرت شوروی از این کشور به عنوان «سوسیال امپریالیسم» یاد می‌شود و در مورد شرایطی که موجب مداخله مستقیم و اشغال خاک افغانستان شد یک دلیل مهم را «حرکت چین و جانشینان مائو، در ۱۹۷۷، در صحنه بین‌المللی» (ص ۳۶) می‌داند.
4. Andre Beaufre, *An Introduction to Strategy*, London: Faber and Faber Ltd., 1965.
۵. آندره بوفر، مقدمه‌ای بر استراتژی، ترجمه مسعود کشاورز، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۶، ص ۶. همان کتاب، ص ۱۲.
۷. همان کتاب، ص ۳۱.
۸. برای مطالعات تطبیقی از ترجمه‌هایی که به زبان فرانسه از کتاب سون تز و به عمل آمده رجوع شود به: Sun Tze (Sun Zi) Text Traduit Par Jean- Jacques AMJOT, Preface et Commentaires de Gerard Chaliand, Presses Pocket, Paris, 1993.
۹. استراتژی معاصر، نظریات و خطه‌مشی‌ها، جان بیلنس، کن برث، جان گارنت، فیل ویلیامز، مترجم هوشمند میرفخرزایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۹.
۱۰. جان جی. زیباک، برداشتهای شوروی از آیین و قدرت نظامی، ترجمه مسعود کشاورز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷، ص ۳۱.
۱۱. همانجا، به نقل از مارشال اوگارف رئیس ستاد مشترک در دهه ۲۰ میلادی.
۱۲. برای مطالعه کامل و جامعی در مورد استراتژی نظامی شوروی در این دوران رجوع شود به: Sokolovsky, Vassili Danilovitch (Marechal), *Strategie Militaire Sovietique*, Paris: edition de L'Herne, 1984.
۱۳. برای مطالعه درخصوص استراتژی نظامی شوروی‌ها در زمان بحران رجوع شود به: La Strategie Sovietique de Crise, Groupe d'Étude et de recherche sur la strategie Sovietique (GERSS), Fondation Pour les etude de defense national, Paris, 1988.
۱۴. تحقیق در: تبیین استراتژی نظام از کلام امام مدظله‌العالی، گامی در جهت تشکیل بسیج دانشجویی و طلبه، دفتر مجامع مقدماتی فرهنگستان علوم اسلامی، قم، ۱۳۶۷، مقدمه ص ۱۶.
۱۵. همان، ص ۵۶.
۱۶. همان، ص ۸۸.
۱۷. همان، ص ۲۴.
۱۸. آندره بوفر، استراتژی اقدام، ترجمه مسعود محمدی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: ۱۳۳۶، ص ۳۳.
۱۹. ادواردام، ارل، تاریخ فن جنگ، ترجمه محمدعلی پیروزان، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۴۳.

۲۰. جان ام. کالینز، استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)، ترجمه کورش بایندر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: ۱۳۷۰، ص ۱۳۱.
۲۱. همان، پیوست هفتم، ص ۶۳۵.
۲۲. دکتر غازی اسماعیل ربابعه، استراتژی اسرائیل، ترجمه محمدرضا فاطمی، نشر سفیر تهران: ۱۳۶۸، ص ۲۲۷.
۲۳. برای مثال رجوع شود به مبحث Sun Tzu در کتاب:
Dictionnaire d'Art et d'Histoire Militaires. Publie sous la direction de Andre Corvisier.
Presses Universitaires de France, Paris. 1988.
۲۴. محمد جواد امیدوارنیا، سیر تحول در اندیشه نظامی و سیاست تسلیحاتی چین، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: ۱۳۷۰، ص ۲۲۲.
۲۵. همان، ص ۲۲۳.
۲۶. همان.
۲۷. جلیل روشندل، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران: چاپ اول، زمستان ۱۳۷۴.
۲۸. علیرضا ازغندی، جلیل روشندل، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران: چاپ اول، زمستان ۱۳۷۴.
۲۹. از جمله کتابهایی که در فاصله نگارش این مقاله توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی به زور چاپ درآمده، کتاب «استراتژی و روشهای برنامه‌ریزی استراتژیک» تألیف خانم دکتر سعیده لطفیان از اساتید دانشگاه تهران و محققان گرانقدر مسائل بین‌المللی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی